

## بیانیه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۹۱ (۲۵۵۱)

### اعلیحضرت و نقد آن

امیرفیض - حقوقدان

((هم میهنان گرامی

باگذشت سه دهه از عمر رژیم حاکم برکشورمان، برهمگان روشن گردیده که عملکرد این حکومت استبدادی حاصلی جز دروغ، ظلم و بیادگری، فقر و بیگاری، غارت سرمایه های ملی و دریک کلمه نابودی ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان نداشته (۱) و میهنان رادرآستانه بحرانی ژرف و سرنوشت ساز قرار داده است بحرانی که همه ماراموظف میدارد که بیش ازپیش برای نجات مملکت و سعادت ملت بخود آنیم و راه (۲) رابرای یک آشتی ملی و سهیم کردن مردم درسرنوشت خودشان هموارسازیم و ازطریق فراهم کردن شرایطی کاملا دمکراتیک برای برگزاری انتخاباتی آزاد، سالم و عادلانه که مورد تائید و تصویب اکثریت قاطع ملت ایران باشد همت گماریم.

هم وطنانم

همه تلاش من ازابتدای روی کارآمدن این نظام مستبد، همفکری و همیاری باهم میهنانم بوده است. (۳) تحولات چند ساله اخیردرایران، جامعه امروزمان، به خصوص جوانان را بیدارو هشیارو واقع گرا کرده است که به جای تکیه بیش از حد به اهداف ایدیولوژیک خود، آزادی و سعادت ملت رامقدم شمارند و تنها به این سرزمین کهن و ساختن ینده ای که شایسته ملت بزرگ ایران است بیانیدیشند.

خوشبختانه مطالبات اقشارمختلف جامعه، شرائط رابه گونه ای تغییر داده است که بوجود آمدن این همفکری و هماهنگی رابیش ازپیش ممکن کرده است (۴)

هم میهنانم

دراین لحظات سرنوشت ساز که سرزمینمان ایران با آن روبروست (۵) وظیفه و رسالتی تاریخی بردوش یکایک ما ایرانیان قرارگرفته است (۶) که با الهام ازیک جنبش **فرامسئلی و فراحزبی** به عنوان یک خانواده بزرگ و کهن، دین خودرابه میهن ادا کنیم (۷)

زمان آن فرارسیده است که باهمیاری و یکدلی و باتکیه برارزش های والای انسانی برپایه اعلامیه جهانی حقوق بشر، جهت استقرارحاکمیت ملی درایران آنچه درتوان داریم بکارگیریم. دراین راستا بایسته است که همه نیروها و کنشگران سیاسی فعلا نه با ارانه برنامه ها و پیشنهادات شفاف و عملی برای تشکیل یک بدیل دمکراتیک درمقابل حکومت تمامیت خواه جمهوری اسلامی به همدیگریاری رسانند (۸)

رسالت امروز ماصرفنظر ازسلیقه ها و عقاید و آرمان های سیاسی آغازیک حرکت نهانی بسوی آزادی، صلح، امنیت و رفاه و سربلندی ایران زمین است (۹) من نیزبه سهم خود آماده ام برای پیش برد این هدف ملی باهمه نیروهای هم فکری و از آنها پشتیبانی نمایم.

هم میهنان عزیزم

بیانید به ایرانی آزاد و آباد بیانیدیشیم که درسایه عدالت و قانون (۹) حقوق همه شروندانمش تضمین است. باشدکه دراین مقطع تاریخی وظیفه خودرانسبت به نسل جوان کنونی و آیندگان ایفا کرده باشیم.

پاینده ایران - رضاپهلوی))



بخشی از بیانات اعلیحضرت، دلجویی و بخشیدن امید و تعارفات شاهانه است که هم انتظار مردم و هم عادت مهتران و بزرگان است. تعارفات نمک کلام ورشته اتصال محبت و دلهاست ولی در رابطه با معادلات اجتماعی و با معاملات و تعهدات و مسنولیت‌های قانونی نقش موثری که بتواند ازارکان روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به حساب آید ندارد ضرب المثل > ز تعارف کم کن و بر مبلغ افزا < نشانگر بی تاثیر تعارفات در عملکرد معادلات اجتماعی و تعهدات و امثال آنهاست.

بخش دیگر بیانات اعلیحضرت متوجه تعهداتی است که مواجه به ملت ایران شده است و در واقع میتوان آنرا بخش سیاسی و مبارزاتی بیانیه دانست که نقد آن کار این تحریر است.

از آنجا که تعارفات، دلجویی ها، وعده ها و امثال آنها در هر حد و شکلی که باشد نمیتواند و نباید بی توجهی ها، اتلاف وقتها، کم کاریها، تبانی ها و امثال آنها را که غالباً گریبانگیر معادلات اجتماعی است پرده پوشی کند و به همین اعتبار است که اعلیحضرت بارها توصیه به نقد مسائل فرموده و خواسته اند که شناخت کمبود ها و آنچه که میتوانست و باید در راه پیروزی مبارزه مصرف میشد و نشده است در طبق انتقاد بیاید که توجه و التفات آن آسان گردد و ضمانت اجرای آنرا هم شجاعت قرار داده اند، لذا باتفاق به مراتبی از بیانیه که شماره گذاری شده است میپردازیم.

### (۱) روشنی همگان

تبادر ذهنی از بیانات اعلیحضرت میتواند چنین باشد که قبل از گذشت سه دهه از عمر رژیم غاصب، بر همگان ماهیت و عملکرد رژیم اسلامی روشن نبوده است.

این چنین تبادر ذهنی در بیانات اعلیحضرت محل تامل بسیار است و اگر چنین احتمالی را بتوان برای اقلیتی از ایرانیان خارج از کشور تصور کرد شمول آن برای ایرانیان داخل کشور ممکن نیست.

این تحریر، قاصد آن نیست که به آمار و نظرات شخصیت های خارجی و حتی متصدیان حکومت اسلامی در عدم رضایت عمومی استناد کند زیرا < سعی در اثبات امر اثبات شده، ممکن است دلیل ضعف بتصور آید > ولی جا دارد و بهتر است که در مسیر منطق به آن نگاه شود.

از همان نخستین سالهای حاکمیت رژیم غاصب، ماهیت و عملکرد رژیم، حالت عینی داشت و حاصل حالت عینی هم، درک از طریق بینایی و تاثیر ذاتی و درونی است. برداشت ما ایرانیان خارج از کشور از نارضایتی مردم، از مسیر القاء و سمعی است و در تمثیل مانند آنکه در آتش میسوزد و آنکه در کنار آتش گرمی آنرا احساس میکند و گهگاهی هم صدای سوختگان را میشنود.

تعلق مطلب قابل تامل، به بیان اعلیحضرت آنجاست که آثار سخن ایشان بر آن تعلق خواهد یافت که ایرانیان، در درک مسائل، آنچنان که باید نیستند که با گذشت سی سال امروز < بر همگان روشن شده است که ..... >

و اگر بر چنین برداشتی خط بطلان بیاوریم که باید آورد و آنرا منطبق با فرهنگ ایرانی و درک اعلا و هوشیاری ذاتی ایرانیان ندانیم، ناچاریم که در فصل حقیقتی که برای ماهیت جمهوری اسلامی قائلیم تجدید نظر کنیم یعنی در باور خود نسبت به ماهیت ضد انسانی جمهوری اسلامی تجدید نظر کنیم و چنین برداشتی ناسخ و مغایر با فرمایشات سی ساله اعلیحضرت و همچنین بهم ریختگی تمام معادلات فلسفی درباره ماهیت جمهوری اسلامی خواهد شد.

### (۲) بحران و وظیفه همه ما

بقای جوامع از خانواده تا سطح کشورها بر پایه تقسیم وظیفه است؛ حتی در مواقع جنگ، وظیفه مردم در مقابل دشمن متجاوز بتشخیص مردم نیست، وظیفه افراد جامعه را قانون تعیین کرده و میکند وظیفه عمومی مردم اطاعت از قانون و امر دولت است، مستقر ساختن تکلیف حکومت بر مردم به معنای هرج و مرج و هرکی هرکی است در شرائط فعلی مبارزه

**بیش از هر زمان تمرکز فرماندهی و توجه تکلیف و وظیفه و جلوگیری از هرج و مرج و خودسری های سیاسی واجب و حتمی است. ضرب المثل >ماما که دوتا شد سر بچه کج میاید< بازگوکننده همین فلسفه است.**

فرهنگ و منش ایرانی و قانون اساسی رعایت و توجه به این ضابطه اجتماعی رادقیقا منظور داشته است و قطب فرماندهی و تفویض وظیفه رامشخص و بصورت قانون مدون درآورده است. دربیانیه اعلیحضرت رکن اساسی و پایگاه قانونی توجه تکلیف و مسئولیت نادیده گرفته شده است.

### **(۳) همفکری و هم یاری هموطنان**

این قسمت ازبیانات اعلیحضرت منویات قلبی ایشان است ولی متاسفانه درعمل صادق نیست.

اعلیحضرت بارها فرموده اند که >هموطنان من ازمن میخواهند که رهبری مبارزه رابرعهد بگیرم<، ولی همانطور که اسناد شاهد است این خواست مردم که همان فرمان تاریخ و سنت و قانون اساسی وسوگند ایشان است جدی تلقی نگردیده و هربارهم که بمناسبتی به خواست مردم اعلام تمکین وقبول فرموده اند، متاسفانه ازقوه به فعل درنیامده وعدول بروفای بعهد فائق بوده است.

### **(۴) هم فکری و هماهنگی**

بیان ایشان به وجودآمدن همفکری و هماهنگی ..... بیان خوشبینانه ای است که حداقل ۲۷ سال است که دربیان ایشان تکرار شده است، تعلیق وظیفه ورسالت به امرونظری که سابقه و نشانی ازامکان وجودی آن نیست ووجود آنها نه لازم است ونه جواز فرهنگ ایرانی راباخوددارد نه مسقط مسئولیت است ونه جوابگوی تاریخ.

### **(۵) لحظات سرنوشت سازکشورمان**

دربیانیه اعلیحضرت دوباربه >لحظات سرنوشت سازکشورمان< اشاره شده است این لحظات سرنوشت سازبرای کشورمان کدام است که اعلیحضرت را ازنظر احساس، و وجدان، بیدارونگران ساخته ولی درعمل خیر؟

### **(۶) وظیفه و رسالتی که تاریخ برعهده یکایک ما گذاشته است**

تاریخ هیچگونه رسالتی برعهده ایرانیان قرار نداده رسالت از صیغه ای نیست که متوجه عموم مردم گردد.

**وظیفه ای که تاریخ برعهده یکایک ما گذاشته است اطاعت ازقانون وحکومت وفرمان شاه است.**

### **(۷) جنبش فرامسلکی و فراجزبی**

این واژه های ساخت خاتمی فاقد محتوای فلسفی واجرائی است، استفاده از آن درمجرای مبارزه سیاسی بی اعتبار و ناسازگار است، انسان ها از اعتقاد و مسلک خود جدا نیستند وجدا ساختن آنها از اعتقاد و مسلکشان کاری بسیار دشوار و نشدنی است و اساسا انسان ها بنا بر پیوستگی به اعتقاد و مسلکی که دارند انسان شناخته میشوند، **انسان جدا شده از اعتقاد و مسلکش که آدم شناخته نمیشود** تاچه رسد که بتواند سنگینی بارمبارزه راتحمل کند؛ اعتقاد است که قدرت تحمل و فداکاری میدهد واگر اعتقاد، مذهبی باشد شخص معتقد رابه راه ترور انتحاری میبرد واگر اعتقاد ناسیونالیستی باشد که بصورت خلبانان انتحاری ژاپنی درراه میهن جلوه گرمیشود؛ **آدم بی اعتقاد و بقول حضرات فرا اعتقادی مانند شمعی است و با نسیمی خاموش میشود وانسان معتقد مانند شعله های آتش است که درمقابل طوفان هاسرکش میشود.**

همین عبارت >تکیه برارزش های والای انسانی< که دربیان اعلیحضرت آمده اشاره بر اعتقاد و مسلک ایرانی است.

«خانواده بزرگ و کهن» که پشتوانه پیام اعلیحضرت آمده از طرق اعتقاد و مسلک بنا شده و میشود.

مبارزه سیاسی، تلاش برای احقاق، چه سیاسی و چه شخصی از ملات و جوهر اعتقاد هستی میابد.

انتظار فرامسلکی و فرا اعتقادی و فراحزبی از انسان ها بمنزله انتظار فرا ناموسی و فرا شرافتی و فرامیهنی و فرا غیرتی هم هست.

یعنی چه؟ که نجات ایران که یک تکلیف مسجل و مدون و تعیین شده برای اعلیحضرت است منوط به تبدیل انسان های باوقار و معتقد، به انسان های هُرهری و فاقد انسانیت و شرافت و غیرت گردد.

**چگونه میتوان انتظار داشت و از مردم خواست که بدون توجه به اعتقاد خودشان و یا وابستگی به حزبی که آن نیز از منشاء اعتقاد است به خواست کسی که خود به تکالیف و رسالتی که تاریخ و قانون بر او مقرر کرده و ایفای عهد نمیفرمایند تمکین نمایند و آیا این تمکین ناممکن برد میخورد؟**

### (۸) تعیین تکلیف برای مبارزین

خواست اعلیحضرت و تقریر ایشان بر اینکه «نیروها و کنشگران سیاسی فعالانه، شفاف و عملی برای تشکیل یک بدیل دموکراتیک در مقابل حکومت تمامیت خواه به همدیگر یاری برسانند»، نسخه زهر آگینی است که به مرگ مبارزه شرافتمندانه میهنی شدت و حدت بیسابقه ای خواهد بخشید و این توصیه ناموجه جوازی میشود که شده تا هر کس و نا کسی در پناه این خواست اعلیحضرت بطریقی به هرج و مرج در مبارزه کمک کند و چه روشن است که در این هرج و مرج مجاز، تجزیه طلبان و عاملین بیگانه در بهره برداری از این وضعی که اعلیحضرت تحقق آنرا لازم دانسته اند میدانی مساعد بدست آورند که آورده اند.

چه معیار و چه قانونی و یا عرف با سابقه برای شفاف و عملی بودن یک بدیل وجود دارد؟ «هیچ بقالی نمیگوید ماست من ترش است» آنجا که مشخصات لازم و ضوابط قانونی و مسجل پیش بینی و وضع و تدوین شده تا سره از ناسره مشخص گردد تشخیص صحیح مشکل و دشواری است تا چه رسد که جریان بدون ضابطه باشد و عوامل جمهوری اسلامی و کشورهای بیگانه عملاً مبارزه را قبضه عوامل خودشان ساخته اند.

این قبیل خواست ها و توصیه ها جواز هرج و مرج و هرکی هرکی عجبیبی است که در جهان بی سابقه است و صدور و توصیه آن از جانب اعلیحضرت، آنهم بعد از سی سال خیلی حرف بردار است، خاصه در این روزها که اعلیحضرت آن روزها را برای ایران سرنوشت ساز میدانند.

بدیل و آلترناتیو حکومت جمهوری اسلامی همانطور که اعلیحضرت در سابق به کرات بر آن اعتقاد راسخ توأم با اعتماد نفس ارزانی فرمودند، همان تداوم اجرائی قانون اساسی و متمم آن است نه این نسخه های هرج و مرج طلبی که هر کسی خودش برنامه تنظیم کند و خودش هم حکم حقانیت و عملی بودن و بدیل بودن آنرا بدهد و خودش هم مجری گردد [؟؟!!!]

### (۹) رسالت مورد نظر اعلیحضرت

بیان اعلیحضرت مبنی بر اینکه «رسالت امروز ما صرف نظر از سلیقه ها و عقاید و آرمان های سیاسی آغاز یک حرکت نهانی به سوی آزادی است» تعارف بی محتوای است. رسیدن به آزادی و دموکراسی و ایجاد صلح و امنیت و سرفرازی کشور بهیچوجه منافاتی با وجود عقاید و آرمان های سیاسی ندارد، همه عقاید و آرمان های سیاسی ظاهرش به امنیت و رفاه و صلح و سربلندی ایران زمین ختم میشود «حاکمان در زمان معزولی جمله شبلی و بابزید شوند.....»

نسخه ای که حرکت مبارزه نهانی مارا تجویز میکند همان است که سنت تاریخ ۲۵۰۰ ساله ما و بعد هم قانون اساسی و متمم آن آنرا پیچیده است و صدها نسل از مردان این مرزوبوم از آن برای رسیدن به سربلندی و رفاه حرکت کرده اند چرا باید این راه تاریخی آزمایش شده مورد انتظار و آشنای مردم و مصدق در فرهنگ و سنت ایرانی زیرپا گذاشته شود و بنسخه های هرج و مرج زما متوسل شویم.

### روزهای سرنوشت ساز ورهبری اعلیحضرت

{ توجهات عالییه اعلیحضرت رابه این مختصر مستدعی هستم.

بنابراطلاعیه رسمی نماینده گنجره آمریکا، اعلیحضرت رضاشاه دوم (شاهزاده رضایه‌لوی) دردیماه سال ۱۳۸۰ (۲۵۴۰) با نمایندگان بلند پایه گنجره آمریکا دیدار و گفتگو داشته اند این دیدار به دعوت آلتون گالینگوی عضو برجسته کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا صورت گرفت در این اجلاس آقای دنیس هسترت رئیس مجلس و آقای گری اکرم نماینده نیویورک شرکت داشتند و موضوع اصلی بحث درباره راه دموکراسی در ایران بود.

آقای اکرم، عضو برجسته کمیسیون امور خاورمیانه و آسیای جنوبی مجلس است. آقای کالینگوی در پشت تریبون پس از قدرانی از مردم ایران که بمناسبت ۱۱ سپتامبر جامعه آمریکائی همدردی کردند گفت:

**«شاهزاده رضایه‌لوی رهبری جنبشی راعلییه آخوند سالاری حاکم بر ایران برعهده گرفته اند؛ وی عدم خشونت و نافرمانی مدنی رابعنوان یک روش مبارزه برگزیده است وی تاکنون چند بار بنامیندگان حکومت آمریکا دیدار کرده است تا توجه آنان رابه خواست مردم ایران برای سکولاریسم و دموکراسی جلب کند»**

اعلیحضرت پس از سخنان کالینگوی و تشکر از ایشان سخنرانی خودشان رادنبال کردند.

مقصودم از طرح جریان مزبور که مفصل آن درسنگراول بهمن ماه ۱۳۸۰ (۲۵۴۰) درج است این کلام مختصر و بسیار بااهمیت است که.

**در اسناد گنجره آمریکا و حکومت آن کشور اعلیحضرت با عنوان شاهزاده رهبر منحصر بفرد مخالفین جمهوری اسلامی در سطح جهانی شناخته شده اید و شخص اعلیحضرت در مقابل این تشخیص مقام رهبری نه توضیحی دادید و نه تصحیحی بر آن وارد ساختید و یا تشکر از طرف، مقام و موضع رهبری اعلیحضرت ثبت در تاریخ سیاسی آمریکا شده است**

بنابراین، این روزهای سرنوشت سازی که تمامیت ارضی ایران راتهدید میکند و الگوی سوریه رابرای ایران تدارک مبیند درحالتی جریان دارد که شخص اعلیحضرت از نظر آمریکا یعنی همان کشوری که عامل روزهای سرنوشت ساز برای کشور ماست به عنوان رهبرانحصاری اپوزیسیون شناخته شده اید و اگر نسبت به ایرانیان مظلوم بی زبان، امر رهبری خود را ناگشوده میدانید در اسناد کنکره آمریکا کاملا گشوده و مختومه است.

این توجهی که تقدیم گردید توصیه دقت، هوشیاری، احتیاط هرچه بیشتر در ابعاد مسنولیت نسبت به کشور و ملت و رهبری رابا خود دارد.

{ با احترام امیرفیض }